

ضرورت سیاست خارجی متوازن برای کشور

تجربه تاریخی نشان داده هرگاه در برابر قدرت های خارجی واکنش مناسب و به موقعی نداشته-ایم آنها در تعرض به استقلال سیاسی و تمامیت ارضی ایران جسورتر شده اند. اگر اکنون اقدام بازدارنده ای در برابر روسیه انجام ندهیم قطعاً در آینده شاهد تعرض بیشتر از طرف روسها به تمامیت ارضی کشورمان خواهیم بود.

به گزارش سایت خبری پرسون، علی عیدی پور، کارشناس روابط بین الملل در یادداشتی نوشت: اخبار چند روز اخیر در مورد حمایت روسیه از احداث «کریدور زنگزور» و تبعات منفی آن برای ایران، دوباره بحث نوع رابطه با روسیه را در صدر گفت و گوها قرار داده است. باید توجه داشت که نوع رابطه با روسیه صرفاً یک نماد است. بحث اصلی، جهت ­گیری و استراتژی کلی سیاست خارجی ایران است.

از چند سال پیش جهت گیری سیاست خارجی ایران «نگاه به شرق» بوده که یک راهبرد اشتباه بوده است. در شهریور سال ۱۴۰۰ در اوج مانور دادن طرفداران راهبرد «نگاه به شرق» این بحث را مطرح کردم که ایران به جای «نگاه یکجانبه به شرق» باید «نگاه همزمان به شرق و غرب» را دنبال کند. اکنون بعد از گذشت چندین سال و نگاهی منصفانه به عملکرد چین و روسیه شاید زمان آن رسیده باشد که تصمیم گیران به فکر تغییر استراتژی در سیاست خارجی باشند.

در مجموع در ایران دو نوع نگاه کلی نسبت به چین و روسیه وجود دارد که هر دو نگاه اشتباه است.

نگاه نوع اول، چین و روسیه را متحدان راهبردی ایران می داند. رأی مثبت چین و روسیه به تمامی قطعنامه های تحریمی (۱۷۳۷، ۱۷۴۷، ۱۸۰۳، ۱۹۲۹) و غیر تحریمی (۱۶۹۶، ۱۸۳۵) شورای امنیت علیه ایران، تأخیر حدود یک دهه ای روسیه در تحویل سامانه دفاع هوایی اس ۳۰۰ به ایران، عدم موافقت ۱۳ ساله چین و روسیه با درخواست عضویت کامل ایران در سازمان همکاری های شانگهای، تأیید نقض تمامیت ارضی ایران در بیانیه های پایانی اجلاس های شورای همکاری خلیج فارس توسط چین و روسیه، پشتیبانی از ایجاد «کریدور زنگزور» توسط روسیه و دهها نمونه دیگر ثابت می کند که این دو کشور نمی توانند متحدان راهبردی برای ایران باشند.

نگاه نوع دوم این است که چین و روسیه به ایران خیانت می کنند. باید گفت که این دو کشور هیچ خیانتی به ایران نکرده و نمی کنند. این دو کشور صرفاً به دنبال تأمین منافع ملی خود هستند و از همه بازیگران و کشورها از جمله ایران برای رسیدن به اهداف خود استفاده می کنند. این قاعده بازی در نظام بین الملل و کنش سیاست خارجی است. اینکه ما این قاعده را یا بلد نیستیم و یا رعایت نمی کنیم، دلیل نمی شود که کشورهای دیگر هم این قاعده را ندانند و رعایت نکنند.

اما چرا چین و روسیه در قبال ایران این چنین رفتار می کنند؟

واضح است که وقتی ایران تعادل و توازن را در سیاست خارجی خود رعایت نمی کند و یکجانبه و بیش از اندازه به یک کشور یا یک بلوک نزدیک می شود و تمام اهداف و منافع خود را در آن جهت قابل تأمین می بیند، نتیجه جز این نخواهد بود. در شرایطی که ما اتکای راهبردی یک سویه به روسیه و چین داشته باشیم، قطعاً این دو کشور شرایط و نوع رابطه با ما را تعیین می کنند و ما ناچار به تمکین هستیم.

نگاه یک جانبه به یک سمت، مربوط به زمان جنگ سرد و مناسبات ایدئولوژیک آن مقطع زمانی است و در نظام بین الملل کنونی که فضای سیاسی بین المللی متفاوتی دارد، کارآیی خود را از دست داده است. نگاه یکجانبه به هر سویی، مصداق بارز «خودتحریمی» است، چرا که خود را از امتیازات سوی دیگر محروم کرده ایم. فضای کنونی نظام بین الملل نگاه چند جانبه را می طلبد که در بالا از آن به «نگاه همزمان به شرق و غرب» تعبیر کردم. «نگاه همزمان به شرق و غرب» مستلزم این است که از افراط و تفریط در روابط و سیاست خارجی پرهیز کنیم و تعادل و توازن را ملاک عمل قرار دهیم. این تعادل و توازن را میتوان «متوازن سازی» سیاست خارجی دانست. ویژگی های ژئوپلیتیکی ایران ایجاب می کند در هر شرایطی به ویژه وضعیت فعلی، «متوازن سازی» سیاست خارجی را در دستور کار قرار دهد.

«متوازن ­سازی» دقیقاً نقطه مقابل موازنه منفی و موازنه مثبت است. موازنه منفی بر عدم واگذاری امتیاز به بازیگران رقیب تأکید دارد و موازنه مثبت بر واگذاری امتیاز برابر یا تقریباً برابر به بازیگران رقیب استوار است تا همه بازیگران رقیب راضی باشند. این در حالی است که «متوازن سازی» اصولاً بر رقابت بازیگران رقیب برای دریافت امتیاز از ایران تأکید دارد.

«متوازن سازی» این امکان را برای ما فراهم می کند که به بازیگری امتیاز دهیم که بیشترین پرداختی را داشته باشد. در نتیجه قادر خواهیم بود از رقابت بین بازیگران رقیب، حداکثر منافع ملی امکان پذیر را تأمین کنیم.

با نگاهی اجمالی به کنش ورزی خارجی کشورهای مختلف در سطح منطقه به خوبی می توان متوازن سازی سیاست خارجی را مشاهده کرد. ترکیه، قطر و امارات متحده عربی در همسایگی ما به بهترین شکل ممکن این استراتژی را به اجرا درآورده اند. عرصه سیاست بین الملل در حال تغییر مستمر است؛

پس باید استراتژی‌ها را متناسب با صحنه سیاست بین الملل تغییر داد.

هدف روسیه از طرح مجدد حمایت از ایجاد «دالان زنگزور» از دو حالت خارج نیست:

به دنبال ایجاد تشکیل یک نظم منطقه ای و محدود در حوزه نفوذ شوروی سابق است تا از این طریق فضای تنفسی برای خود ایجاد کند. تلاشی است برای ارسال سیگنال به ایران که به غرب نزدیک نشود. در هر دو صورت این شرایط نقض کننده استقلال سیاسی و تمامیت ارضی ایران است.

چاره کار چیست؟ بسیاری از کارشناسان و برخی از مسئولان نسبت به اظهار نظر مسکو در خصوص ایجاد «دالان زنگزور» واکنش نشان داده اند. این واکنش ها مفید است، اما کافی نیست. نمی شود فقط با بیانیه جلوی روسیه را گرفت. ما نیاز به اقدام عملی جدی داریم و این میسر نخواهد بود؛ مگر اینکه در سیاست خارجی مان «متوازن سازی» داشته باشیم.

در شرایط کنونی که روسیه درگیر یک جنگ فرسایشی با اوکراین است، روسیه بیشتر به ما نیاز دارد تا ما به روسیه. واقعیت این است که روسیه از لحاظ اقتصادی قادر نیست کمک چندانی به ما کند؛ به ویژه اینکه در بخش انرژی، روسیه رقیب سرسخت ما است و دارای منافع متضاد هستیم. در وضعیت فعلی، نیازمندی روسیه به ایران در زمینه تسلیحات به ویژه پهپاد و موشک است. این نیازمندی روسیه به ایران یک اهرم فشار است که باید به خوبی از آن استفاده کرد.

تجربه تاریخی نشان داده هرگاه در برابر قدرت های خارجی واکنش مناسب و به موقعی نشان نداده ایم، آنها در تعرض به استقلال سیاسی و تمامیت ارضی ایران جسورتر شده اند. اگر اکنون اقدام متناسبی در برابر روسیه انجام ندهیم، قطعاً در آینده شاهد تعرض بیشتر از طرف روسها به استقلال سیاسی و تمامیت ارضی کشورمان خواهیم بود.